خبرسازان

واکنش نیک‌نژاد به حَکَمیت رضاداد:

آماده همکاری‌ام

● **فرانک آرتا:** پروژه سینمایی «لاله» که با پشتیبانی و حمایت مدیران سینمایی دولت دهم کلید خورد یکی از چالش‌های سازمان سینمایی دولت بوده است. این پروژه در دولت قبل تا مرحله فیلمبرداری پیش رفت، اما با عوض‌شدن دولت و اعمال تغییرات در سازمان سینمایی، مسوولان جدید مرکز گسترش سینمای مستندوتجربی مواردی پیرامون تخلفات صورت‌گرفته در فیلم «لاله» افشا کردند که عملا ادامه کار را متوقف کرد. درپی آن، نامه‌هایی مختلف از سوی کارگردان و عوامل فیلم ردوبدل شد که نشانگر اوج اختلافات بود. در این میان بعد از گذشت چندماه قرار شد ماجرا توسط شخصی ثالث مورد قضاوت قرار گیرد. علیرضا رضاداد، مشاور ارشد سازمان سینمایی، مسوولیت حکمیت و درنهایت فیصله‌دادن دعواها را به عهده گرفت و در جدیدترین اظهارنظرات مدیرعامل مرکز گسترش به نظر می‌رسد قرار است با حکمیت رضاداد، مدیر باسابقه و محافظه‌کار سینما، این غائله ختم‌به‌خیر شود. اسدالله نیک‌نژاد معروف به اسی نیک‌نژاد در گفت‌وگو با «شرق» درباره نتیجه حکمیت عنوان کرد: «آنچه مسلم است اینکه تا ۱۶شهریور هیچ حکمی و نامه‌ای از طرف سازمان سینمایی و مرکز گسترش سینمای مستندوتجربی دریافت نکرده‌ام. از جزییات حکم بی‌خبرم و اظهارنظرم باید منطبق بر مفاد حکم باشد. پس درحال حاضر نمی‌توانم اظهارنظری قطعی کنم.»او در ادامه افزود: «اما یادتان باشد من همیشه آماده همکاری بوده و هستم. من که از اردیبهشت‌ماه امسال به تهران آمدم و در این شهر هستم، تا همین الان ۲۴ساعته منتظر و آماده همکاری‌ام و تمام تلاشم براین بوده و هست که با نهایت تفاهم همکاری‌ام را ادامه بدهم.»سیدمحمدمهدی طباطبایی‌نژاد، مدیرعامل مرکز گسترش سینمای مستندوتجربی، نیز در گفت‌وگو با «ایسنا» درباره موضوع فیلم «لاله» اعلام‌نظر کرد و تمام مواردی که باعث اختلاف در این پروژه شده بود را تایید کرده و گفت: «آقای رضاداد تصریح کرده که مالکیت فیلم «لاله» به‌طور کامل در اختیار مرکز گسترش سینمای مستندوتجربی است.»او با بیان اینکه در گذشته چه کسانی باعث ایجاد این مشکلات شده بودند و موضوع حکمیت علیرضا رضاداد نیست، افزود: «آنچه محل اختلاف ما با آقای نیک‌نژاد بود بر سر موضوع رایت فیلمنامه و شخصیت اصلی فیلم یعنی لاله صدیق است که پس از بررسی‌ها، تاکید شده باید به‌لحاظ حقوقی، حق رایت این دو موضوع به مرکز گسترش واگذار شود.»طباطبایی‌نژاد با یادآوری اینکه در زمانی که او مدیریت مرکز گسترش را بر عهده گرفت، دو ماه از توقف فیلم «لاله» می‌گذشت، گفت: «از سرگیری این پروژه طبق نظر مشاوران حقوقی مرکز گسترش، منوط به واگذارشدن حق رایت فیلمنامه و خانم صدیق به مرکز بود و به همین دلیل از آنجا که این اتفاق تا به حال رخ نداده، پروژه در حالت تعلیق قرار گرفت.»

زیر آسمان فیروزه‌ای

شمارش معکوس جشن «خانه سینما»

جشن کاملا صنفی

● **گلاره محمدی:** انیمیشنی‌ها جشن‌های خانه سینما را آغاز کردند. یکشنبه ۱۶شهریور و همزمان با میلاد امام‌رضا(ع)، ششمین جشن مستقل انیمیشن در قالب یکی از جشن‌های شانزدهم سینمای ایران در تالار سیفاله داد خانه سینما برگزار شد و فیلم انیمیشن «تمام زمستان‌هایی که ندیده‌ام» پنج‌جایزه از هفت جایزه را از آن خود کرد و دوجایزه هم به فیلم «جوجه ماشینی» رسید. در بخشی از این برنامه محمد بزرگ‌نیا دبیر شانزدهمین جشن بزرگ سینمای ایران ضمن تشکر از هیات انتخاب و هیات داوری که کار سختی پیش رو داشتند ابراز امیدواری کرد که نتیجه داوری‌ها قابل قبول باشد. وی از انجمن انیمیشن، هیات‌مدیره و مدیرعامل خانه سینما به خاطر برگزاری جشن در مقیاسی کوچک ولی گرم و صمیمی، تشکر کرد و افزود: «امیدوارم سال آینده شاهد برگزاری جشنی با شکوه‌تر باشیم.» پس از صحبت‌های بزرگ‌نیا، روانبخش صادقی (مدیرهماهنگی جشن انیمیشن) توضیحاتی درباره برگزاری این جشن ارایه داد. صادقی با بیان اینکه این جشن، اولین تجربه ما به این شکل جمع‌وجور در برگزاری است؛ افزود: «تفاوت جشن امسال با جشن‌های سال‌های گذشته در این است که با هزینه کمتری برگزار می‌شود و سهم عظیمی از بودجه‌ای که قرار بود صرف برگزاری جشن شود به صندوق بیمه بیکاری هنرمندان اختصاص خواهد یافت.»

پس از معرفی هیات انتخاب آثار انیمیشن در قالب یک‌کلیپ، نوبت به محمدمهدی عسگرپور، مدیرعامل خانه سینما رسید که گفت: «گاهی اوقات بعضی موضوعات باوجود اهمیت‌شان درست مطرح یا منعکس نمی‌شوند. اتفاقی که در مورد برگزاری جشن هم افتاد؛ ما مثل هرسال امکان برگزاری جشن را داشتیم و مشکلات مانع از برگزاری جشن نشد چرا که هرساله با اینگونه مشکلات مواجهیم، حتی مانند سال‌های گذشته منابع مالی هم فراهم شد ولی وضع معیشتی برخی از همکارانمان آنقدر حاد بود که ترجیح دادیم صندوق بیمه بیکاری هنرمندان در اولویت قرار گیرد. البته ناگفته نماند که تشکیل و اداره این برعهده دولت است که متاسفانه تاکنون مغفول مانده و ما با این کار خواستیم مسوولان را به این‌سو هدایت کنیم.»

محمد رحمانیان پس از نمایشنامه‌خوانی «افرا»:

جامعه ما بیضایی را تلخ کرد

افرا روایت معلمی جوان است که به یکباره در هجوم تهمت‌ها تنها می‌ماند و به یکباره عصیان می‌کند؛ یک روایت مستند. این نکته‌ای است که بهرام بیضایی در نمایش نشان می‌دهد و به گفته محمد رحمانیان: «نمونه خوبی است تا به شناخت بیضایی از اسطوره‌شناسی، ادبیات مردم و تاریخ پی ببریم و دیدگاه‌های شخصی او را در آن بیابیم.» رحمانیان که پس از مراسم نمایشنامه‌خوانی نمایش افرا که با همت انتشارات روشنگران و مطالعات برگزار شد درباره بیضایی و آثارش صحبت می‌کرد؛ با اشاره به جامعه‌ستیزی در آثار بیضایی گفت: چیزی که بیضایی همیشه از طرف گروه‌های مختلف بابتش مورد غضب قرار گرفت؛ «اتهام جامعه‌ستیزی» به او بود. گروه‌های چپ، دیگر گروه‌ها و منتقدان، همواره او را بابت جامعه‌ستیزی مورد غضب قرار داده‌اند. بیضایی در نمایشنامه‌هایش با جامعه‌ای که به تصویر می‌کشد به ستیز می‌پردازد. جامعه‌ای که او به تصویر کشیده، قهرمان داستان برای رسیدن به سعادت باید خود را از دست این افراد رها کند.

رحمانیان به «رگبار» اشاره کرد و گفت: «جامعه کوچک‌ترین حرکات معلم را نمی‌پسندد؛ آیا با این جامعه نباید ستیز کرد؟! بیضایی در «سگ‌کُشی» جامعه را تعریف می‌کند. در «وقتی همه خوابیم» با جامعه سینمایی که تعریف می‌کند، باید ستیز کرد. در نمایشنامه «افرا» جامعه هرکسی را که مانند آنها فکر نکند نابود می‌کند و تنها یک معجزه می‌تواند قهرمان داستان را از دست جامعه نجات دهد.

رحمانیان با مقایسه نخستین اثر بیضایی با آخرین اثرش گفت: بیضایی از زمان نوشتن نخستین نمایشنامه‌هایش تاکنون تلخ‌تر شده است. این جامعه ما بود که او را تلخ کرد. وی در پایان تاکید کرد: امیدوارم اگر ایمانی در بیضایی مانده باشد که می‌دانم مانده، روزی شاهد نمایشنامه‌ای از بیضایی باشیم که قهرمانش چنین سرنوشتی نداشته باشد. می‌دانم که بیضایی مانند ققنوس سر برمی‌آورد.

گزارش دیدار «شرق» با غلامعلی پورعطایی

خنیاگران بیمارند

سیمین سلیمانی

کمتر کسی است که در ایران‌زمین قطعه زیبا و دلنشین «نوایی نوایی» را نشنیده باشد و آنجا که صدای خنیاگر با نغمه دوتار اوج می‌گیرد که می‌گوید: «مرنجان دلم را که این مرغ وحشی، ز بامی که برخاست مشکل نشیند» دلش نلرزد. اما حالا مدتی است که این مرغ وحشی، پرش شکسته و دوتارش زمینگیر شده. غلامعلی پورعطایی، نوازنده این قطعه زیبا این روزها تنهاست و بیش از یک‌ماه است که در بیمارستان بستری شده. او هم مانند نورمحمد درپور ساززدنش نمی‌آید و سکوت سنگین سازشان تربت‌جام و موسیقی خراسان را فراگرفته است. دوستداران موسیقی مقامی خراسان بعد از حاج قربان سلیمانی و حسین سمندری و ستارزاده؛ دلشان گرم صدای استادانی چون نورمحمد درپور و غلامعلی پورعطایی بود؛ اما انگار بیماری قرار نیست دست از سر مقامی‌خوانان خراسان بردارد. پورعطایی یکی از آخرین دوتارنوازان صاحب‌سبک است که حالا بیماری به جانش افتاده است. در حین انتقال او از تربت جام به مشهد جویای حالش شدیم. استاد پورعطایی حدود سه‌ماه است که بیمار و خانه‌نشین شده و چند روزی است که برای ادامه درمان به بیمارستان امام‌رضای مشهد منتقل شده است.

غلامعلی پورعطایی در گفت‌وگوی کوتاهی با «شرق» از احوال خودش می‌گوید که کمردرد امانش را بریده: «چندماهی می‌شود که حال خوبی ندارم و خانه‌نشین شده‌ام، چندوقت قبل درد از مچ دست راستم شروع شد و کمر و پشتم را فرا گرفت و اواخر حالم بدتر شد، بیش از یک‌ماه است که ساز نزده‌ام و بسیار دلتنگ سازم هستم و دلتنگ هنردوستانی که جمع می‌شدیم و ساز می‌زدم.» این نوازنده دوتار و سرآوازهای عارفانه و عاشقانه خراسان و پیشکسوت موسیقی مقامی که دارای نشان درجه‌یک هنری است از مردم و هنردوستانی که به او ابراز لطف کرده‌اند و جویای احوالش هستند، تشکر می‌کند و اضافه می‌کند: «بسیار دلتنگم که در جمع آنها ساز بزنم و خود من نیز برای قرارگرفتن بین مردم، لحظه‌شماری می‌کنم.»

علی پورعطایی فرزند استاد هم درباره بیماری پدر می‌گوید: «حدود سه‌ماه است که استاد بیمار و از یک‌ماه پیش بیماری ایشان جدی‌تر شد و خانه‌نشین شدند؛ مشکلاتی که پدر با آن دست‌به‌گریبان است بیشتر مشکل ریه و عفونت‌های ریوی است و البته دردهای ناحیه کمر، دست و پا نیز ایشان را آزار می‌دهد.»

علی پورعطایی از ریاست‌جمهوری تشکر می‌کند که در سفر هیات دولت به خراسان‌رضوی هماهنگی‌های لازم برای بستری شدنش در بیمارستان امام رضا(ع) مشهد فراهم کرده است: «نهادهای دیگر و فرهنگ و ارشاد اسلامی باید پیش از اینها به این موارد رسیدگی می‌کردند و مسوولان نباید فقط وقتی به هنرمندان نیاز دارند به آنها توجه کنند، هنرمندان موسیقی و به‌خصوص موسیقی مقامی بسیار غریب هستند چراکه اکثرا در مناطقی زندگی می‌کنند که امکانات کمتری در دسترس است.» علی پورعطایی از کارهای نیمه‌کاره استاد می‌گوید: «باید قدر این استادان را دانست، استاد کتابی در زمینه هنر و موسیقی خراسان در حال چاپ داشت، که به‌علت بیماری، معلق مانده است و پیش از این هیچ ارگان و نهادی برای چاپ این کتاب که به‌گفته پدرم بیش از ۴۰سال روی آن زحمت کشیده، حمایت نکرد برخی به‌صورت شخصی قصد خرید آن را داشتند ولی پدرم به هیچ‌عنوان راضی نشد، ایشان تمام مقام‌های خراسان را جمع‌آوری و مکتوب کرده و این کتاب حجم زیادی دارد و نمی‌توان اینگونه اقدامات را شخصی انجام داد چراکه این کتاب یک‌کتاب معمولی نیست ولی متاسفانه در این بخش هیچ حمایتی نشد، درحالی‌که هرکس قصد چاپ کتابی در این حوزه داشت به پدر من مراجعه کرده و از او اطلاعات و مشاوره گرفته است. در همین زمینه آلبومی بود که پدرم قصد داشت مقام‌های خراسان را به‌دلیل اینکه ماندگار شود، منتشر کند، چراکه به‌گفته استاد که می‌گوید «بعضی چیزها فقط در دست من است و با رفتن من از دست می‌رود» به همین‌دلیل تصمیم به انتشار آلبوم گرفت که از این مورد نیز حمایت نشد. او از مسوولان توقع بیشتری دارد تا به این استادان که گنجینه‌های فرهنگی هستند و استاد پورعطایی که او را به‌عنوان دایره‌المعارف موسیقی خراسان می‌شناسند توجه بیشتری شود.

استاد غلامعلی پورعطایی متولد ۱۳۲۰ در تربت‌جام است و علاوه بر نوازندگی و آواز، در زمینه شعر، نویسندگی و پژوهشگری فعالیت می‌کند همچنین با بهرام بیضایی و واروژ کریم‌مسیحی در فیلم‌های‌شان همکاری کرده است. او یکی از نخستین هنرمندان خراسان است که بعد از حاج‌قربان سلیمانی و حسین سمندری در خارج از مرزهای ایران هم برنامه اجرا کرده است. استاد این روزها در بیمارستان است و دوتارش در انتظار.

پنجمین شب فستیوال موسیقی تهران برگزار شد

شجریان و پورناظری‌ها در مسعودیه

عسل عباسیان: پنجمین شب فستیوال موسیقی تهران، با سازوصدای پسران پدران کوک شد؛ همان پدرانی که محمدرضا شجریان، کیخسرو پورناظری و پرویز مشکاتیان بودند و روزگاری با درهم آمیختن ساز و آوازشان خاطره مردمان این سرزمین را ساخته‌اند.

فضای مقابل عمارت مسعودیه واقع در بهارستان تهران پر شد از نوایی با تصویر قدیمی اما آشنا، که نوستالژی سالیانی را پشت‌سر داشت. «همایون شجریان» در کنار تهمورس و سهراب پورناظری و آیین مشکاتیان، دراجرایی شکوهمند در پنجمین‌شب فستیوال موسیقی تهران، خاطره پدرانشان را که روزگاری ستون‌های موسیقی اصیل ایران را بنا گذاشتند و برای حضاری که بیش از هزارو۵۰۰نفر بودند، یادآوری کردند. طبق روال شب‌های پیشین این فستیوال، قبل از روی صحنه آمدن گروه موسیقی، هنرمندی از صنفی دیگر آمد تا بیانیه «خانه موسیقی ایران» را برای برپا نگه‌داشتن و یادآوری چارچوب‌های صنفی اهالی موسیقی خطاب به جمع بخواند. برخلاف شب‌های گذشته که بازیگرانی همچون حبیب رضایی و سحر دولتشاهی این بیانیه را خوانده بودند، این‌بار «حامد بهداد» با ظاهری سراپا سیاهپوش روی صحنه آمد و پس از تشویق مردم، با تبریک تولد امام‌رضا(ع)، گفت: «باعث افتخار من است که در معیت استاد شجریان باشم.» و با طمانینه بیانیه خانه‌موسیقی را خواند. در ادامه، سهراب پورناظری و همایون شجریان که سپیدپوش بودند و به دنبالشان آیین مشکاتیان و حسین رضایی‌نیا روی سن آمدند و با تشویق حضار، ضمن ادای احترام به جمع، بر صندلی‌های خود نشستند تا اجرایشان را آغاز کنند. تنبورنوازی سهراب پورناظری از همان ابتدای کار مثل نواختن دیگر سازها توسط او، به وجدآمدن و تشویق همگان را به دنبال داشت و شجریان نیز سرانجام چنین خواند: «بیا کز عشق تو دیوانه گشتم/ وگر شهری بدم ویرانه گشتم» اجرا با غزلی از دیوان شمس آغاز شد و با ابیاتی از دیگر غزل‌های مولانا ادامه پیدا کرد: خداوند خداوندان اسرار/ زهی خورشید در خورشید انوار، ز عشق حسن تو خوبان مه‌رو/ به رقص اندر مثال چرخ دوار. قطعاتی که پیش‌تر در کنسرت «آیینه‌ها» اجرا شده و برای مردم خاطره ساخته بود. برگزاری کنسرت در فضای باز، آن هم در مکانی تاریخی فرصتی فراهم کرد تا بسیاری، همزمان با گوش‌سپردن به آواز و موسیقی زیبای ایرانی، از تماشای بازمانده‌های بافت تاریخی شهر تهران بهره ببرند و آسمان با چند ستاره و یک‌ماه کامل این حال خوش را تکمیل کند و در همین لحظات است که اجرای غزلی از حافظ که پایان‌بخش نخستین قسمت این کنسرت بود، شوری دیگر در دل جمع انداخت: «ما شیخ و واعظ کمتر شناسیم/ یا جام باده یا قصه کوتاه» بخش دوم کنسرت که شبیه کنسرت یک‌ماه قبل همین گروه در تالار وزارت کشور بود، با آمدن «تهمورس پورناظری» و سایر نوازنده‌ها آغاز شد و همایون آواز ایران، لب گشود به خواندن قطعه‌ای که چندروز قبل‌تر در مراسم وداع با سراینده‌اش خوانده بود: «رفت آن سوار کولی با خود تو را نبرده / شب مانده است و با شب، تاریکی فشرده» پس از اجرای این قطعه از بانوی غزل ایران، نوبت به غزلی از «هومن ذکایی» رسید: «جان‌جان‌جان از همه جهان می‌کشد دلم پر به سوی تو» همایون شجریان و سهراب پورناظری گهگاه به هم نگاه می‌کنند و لبخندی مدام بر لب‌هایشان نقش می‌بندد و اجرای تصنیف «شتک» سروده زنده‌یاد «حسین منزوی» را آغاز کردند: «شتک‌زده است به خورشید، خون بسیاران بر آسمان که شنیده‌است از زمین باران؟» «در حصار شب» سروده محمدرضا شفیعی کدکنی، غزل دیگری است که پس از غزل «منزوی» بلافاصله خوانده می‌شود و بعد هم این غزل مولانا حال جمع را دگرگون می‌کند: «ای همدم روزگار چونی بی‌من رای مونس غمگسار چونی بی‌من»

«از عشق» قطعه بی‌کلامی است که اجرا می‌شود و برخلاف سایر قطعات بخش دوم این کنسرت، نه «تهمورس پورناظری» که برادرش سهراب، آن را نوشته است. قطعه‌ای که پیش‌تر در موسیقی متن سریال «وضعیت سفید» به کارگردانی حمید نعمت‌الله آن را شنیده‌ایم. سهراب پورناظری، آهنگساز این سریال بود که برای فیلم تازه نعمت‌الله یعنی «آرایش غلیظ» هم آهنگسازی کرده و همایون شجریان روی قطعه موسیقی او، آواز خوانده. صدای عبور چند ماشین در محوطه باز عمارت مسعودیه به گوش می‌خورد اما لحظه‌ای بعد، صدای تصنیف «درون آینه روبه‌رو چه می‌بینی/ تو ترجمان جهانی بگو چه می‌بینی» آن صدا را از خاطره‌ها محو می‌کند. جالب اینکه روی پشت‌بام‌های مجاور عمارت، خانواده‌ها نشسته‌اند و دورادور شاهد کنسرتی هستند که جمعیت حاضر، بابتش بلیت‌های ۳۵ تا ۸۰هزارتومانی خریده‌اند. همایون در حالی می‌خواند: «ندیدی ماهتاب امشب چه زیباست» که قرص کامل ماه، در میانه شب عمارت مسعودیه، دلبری می‌کند و قطرات اشک را بر گونه جمع می‌نشاند؛ جمعی که تا پایان، کنسرت را در سکوت دنبال کرده‌اند حالا زیر لب این غزل سیمین را زمزمه می‌کنند: «چرا رفتی چرا رفتی چرا من بیقرارم؟ / به سر سودای آغوش تو دارم»

انگار کنسرت به پایان رسیده بود، برخی می‌خواستند عمارت را ترک کنند اما شجریان اشاره به نشستن می‌کند و خودش هم می‌نشیند و بخشی از قطعه «دل سپرده‌ام من به روی تو/ در دل من است آرزوی تو» را مجددا می‌خواند. دوباره مردم برمی‌خیزند و با تشویق‌های پی‌درپی از این اجرای بی‌آلایش و ساده و حرفه‌ای تشکر می‌کنند و این گونه پنجمین شب فستیوال به پایان می‌رسد.

چهره روز

در پی موفقیت بنی‌اعتماد در «ونیز»

انتظامی و «آلن‌ایر» تبریک گفتند

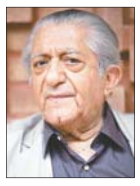

در پی اعطای جایزه بهترین فیلمنامه از سوی جشنواره فیلم‌ونیز به رخشان بنی‌اعتماد و فرید مصطفوی‌نژاد، چهره‌های زیادی این موفقیت را تبریک گفتند. عزت‌الله انتظامی، آقای بازیگر که در فیلم «روسری آبی» یکی از مهم‌ترین فیلم‌های ساخته‌شده به کارگردانی رخشان بنی‌اعتماد نقش اصلی را بازی کرده است؛ در تماس با «شرق» این موفقیت را برگ درخشان دیگری در پرونده خانم بنی‌اعتماد دانست و گفت: «از این موفقیت بسیار خوشحالم و به خانم بنی‌اعتماد و همسرش جهانگیر کوثری گرفتن این جایزه را تبریک می‌گویم.»

«آلن‌ایر»، سخنگوی فارسی‌زبان وزارت‌امورخارجه آمریکا نیز در کنار این تبریک انجمن منتقدان و نویسندگان سینمایی ایران طی پیامی موفقیت فیلم «قصه‌ها» به کارگردانی رخشان بنی‌اعتماد را در جشنواره ونیز به وی و همکار فیلمنامه‌نویسش تبریک گفت. در این پیام خطاب به رخشان بنی‌اعتماد و فرید مصطفوی‌نژاد آمده است: «کسب جایزه بهترین فیلمنامه در جشنواره ونیز برای فیلم «قصه‌ها» تاییدی بر شایستگی و نگاه غمخوارانه شما نسبت به مردم سرزمینتان است. انجمن منتقدان و نویسندگان سینمایی ایران این موفقیت را به شما تبریک می‌گوید و امیدوار است سینماگران دردآشنا، شریف و متعهدی چون شما پیش و بیش از جشنواره‌های سینمایی خارجی، در سرزمین خود قدر ببینند.»

پیشنهاد روز

برپایی کارگاه نمایشنامه بنیاد «رادی»

● **شرق:** چهارمین دوره کارگاه نمایشنامه‌نویسی بنیاد اکبر رادی در چهار رشته با حضور دکتر عطاءالله کوپال و بهزاد صدیقی برگزار می‌شود. علاقه‌مندان به آموزش نمایشنامه‌نویسی برای ثبت‌نام در این کارگاه‌ها می‌توانند با شماره تلفن‌های ۲۲۲۶۳۲۹۶ و ۰۹۳۰۴۲۰۰۶۶۴ تماس بگیرند.